



مطلع عشق

امام حسین^(ع) فرموده‌اند:

هر کس که در مصیبت‌های ما قطره‌ای اشک بریزد، خداوند او را در بهشت جای می‌دهد.

(احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۲۳)

مردم عزیزمان قدر مجالس عزاداری را بدانند، از این مجالس استفاده کنند و روحاً و قلباً این مجالس را وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط و اتصال هر چه محکم‌تر میان خودشان و حسین بن علی علیه‌السلام، خاندان پیغمبر و روح اسلام و قرآن قرار دهند.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیتا... خامنه‌ای Khamenei.ir

ماه محرم فرصتی طلایی برای تقویت تربیت دینی فرزندان است

زنو آمد محرم

محرم از راه رسیده است و نوای حسین حسینی که هر دلی را آشوب و شیدای کر بلایش می‌کند در کوچه‌ها و خیابان‌ها طنین‌انداز شده است. هیأت به هیأت که بگردی جوانان و کودکان پرشوری را می‌یابی که با جان و دل برای آقایی سینه می‌زنند و گریه می‌کنند که عمری است همگان در گوشه‌ای از خیمه سوخته او داستان ظلمی را که بر او رفته روایت می‌کنند و او را الگویی از آزادی، جوانمردی و آزادگی می‌دانند. پدرهایی که با تن پوش مشک، عزادار بودن را به نمایش می‌گذارند و با همراه کردن فرزندان در هیأت‌ها و مجالس، حسینی بودن را به کودک یاد می‌دهند. مادرهایی که اشک می‌ریزند و زیارت عاشورا در گوش فرزندان زمزمه می‌کنند. همه و همه در تلاش هستند که آنچه از نسل‌های گذشته آموخته‌اند را به فرزندان‌شان سینه به سینه انتقال دهند و بگویند حسین (ع) کیست و راه او چه بوده است؟

همه اینها را نوشتیم تا به اینجا برسیم که ماه محرم برای خانواده‌ها یک فرصت طلایی به شمار می‌رود. برای موفقیت در تربیت دینی باید فزاتر از آنچه که در ظاهر می‌دانیم و می‌بینیم حرکت کنیم. باید تدابیر درست‌تری را برای انتقال مفاهیم دینی به کودک انتخاب کنیم و بی‌گمان در نقش یک والد دینی باید آگاه به گذر گاه‌های ورود به ذهن کودک مان باشیم. یکی از همین گذر گاه‌های حیاتی مکتب حسین (ع) و ماه محرم است.

نسرین صفری / روان‌شناس بالینی

الگوی خوبی باشید

متأسفانه بسیاری از والدین فقط آمر و ناهی هستند، به طوری که در هر وضعیت بجا و نابجا، طبق خواسته‌ها و انتظارات مقتضی خود، به کودک‌شان می‌گویند این کار را بکن، این کار را نکن، دروغ نگو، راست بگو، حرف رکیک نزن، خوب حرف بزن و... حال اگر این آموزش‌زبانی برخلاف آموزه‌های دیناری، شنیداری و عملی کودک باشد، به طور حتم اثری

دوگانه و سر در گم کننده خواهد داشت. وقتی کودک می‌بیند که والدینش در عمل برخلاف گفته‌های خود رفتار می‌کنند و یا عامل به گفتارشان نیستند، نه تنها انگیزه‌ای برای اجرای اوامر والدین‌شان نخواهند داشت بلکه ارزشمندی آن دستور نیز، در ذهن کودک مورد تردید قرار می‌گیرد، تا آنجا که در نهایت ممکن است آن دستور، محدودیت و یا قدرت و اعمال نفوذ والدی تعریف شود که صرفاً تنها یک نافع دارد و از نظر کودک خودبینی و خودرایی والدینش علت اصلی این منفعت است؛ و چه بسا دریافت این مهم، پس از گذر از دوران نیاز و کسب دانش و اطلاعات مکفی، کودک را متمایل به قرار گرفتن در جبهه مقابل با والدین می‌کند.

بنابراین درک اهمیت این موضوع در آموزش و تربیت دینی کودک بسیار حائز اهمیت است. این که والدین کودک را تشویق به انجام فرایض دینی (واجبات و مستحبات) کنند

اما خود، به جای مظهر عمل بودن، اهل حرف، اجبار و تهدید باشند، آیا واقعا می‌توان امیدی به توفیق و موفقیت در تربیت دینی فرزند داشت؟

ماه محرم فرصتی است برای والدین که الگو باشند. حسینی بودن را کودک در رفتار والدین می‌بیند؛ این که شما مشکی بپوشید و عزای حسین (ع) را در مجالس متعدد بجا بیاورید اگر چه لازم است اما کافی نیست. کودک امروز آن قدر باهوش است که رفتار شما را آنچه در مکتب و مجلس حسین (ع) می‌شنود و می‌بیند مقایسه می‌کند و اگر دوگانگی احساس کند مطمئن باشید که به در دسر خواهید افتاد.

در قرآن کریم و حتی در احادیث و روایت‌های گوناگون نیز توصیه شده است که به آنچه که می‌گویید، عامل باشید. مثلاً در آیه‌ای از قرآن آمده: «لم تقولون ما لا تفعلون؛ چرا آنچه را که می‌گویید، انجام نمی‌دهید»، یا امام صادق (ع) می‌فرماید: «بکوشید به وسیله اعمال تان انسان‌ها را به نیکی و خوبی‌ها دعوت کنید.»

قواعد دینی را پاس بدارید

برخی از والدین در تعیین چارچوب‌های اخلاقی و دینی دچار افسراط و تفریط می‌شوند. مثلاً اگر یک روز کودک نمازش را بجا نیاورد، او را متهم به کاهل نمازی می‌کنند و یا اگر کودک نمازش را به وقت نخواند مدام در گوشش زمزمه می‌کنند که برخیز و نمازت را بخوان، و یا حتی گاهی از سر مهربانی و دلسوزی نایجا ممکن است رد تکلیف شرعی را برای کودک توجیه کنند. مثلاً در ماه رمضان، به بهانه ضعیف و ناتوان بودن کودک

به کودک آزادی عمل دهید

روان‌شناسان معتقدند داشتن اراده و اختیار در انتخاب و گزینش هر رفتار و کلامی، قدرت پذیرش، مسؤولیت و ارزشمندی آن را تعیین می‌کند و بر همین اساس است که اگر کسی کاری را انجام دهد که اختیاری بر انتخاب آن نداشته باشد، آن کار بی‌ارزش، بی‌هوده و عبث معنا می‌شود. این سخن در مورد والدینی که انجام کارهایی را بر فرزندان خود تحمیل و یا اجبار می‌کنند نیز

صحت دارد؛ زمانی که کودک را وادار به انجام کاری می‌کنیم که مطابق میل او نیست و یا اراده‌ای از خود بر اجرا یا عدم اجرای آن ندارد یعنی او را مجبور به پذیرش کرده‌ایم. اگر اجبارش کنیم قرآن حفظ کند، تهدیدش کنیم نماز بخواند، یا با اکراه شدید او را به مسجد یا مجالس دینی ببریم و یا او را به گرفتن روزه مجبور سازیم، گرچه شاید در ابتدای امر موفقیت‌آنی نصیب‌مان شود اما در طولانی مدت این کار نه تنها اثر تربیتی و شخصیتی ندارد، بلکه انجام آن بی‌ارزش و بی‌معنا تلقی می‌شود.